

ماجرای عشق و عاشقی میدون

از ایرانی‌ها آهک استخراج خواهد شد؟



پوریا عالمی

● برای ما یک سؤال پیش آمده و امیدواریم صاحب‌نظران جوابش را داشته باشند. الان دقیقاً توی تهران (باقی شهرها به‌کنار. اینجا مثلاً مهمانخانه کشور است و پایتخت و آدم توی مهمانخانه چیزقشنگ‌ها و میوه‌رسیده‌هاش را می‌گذارد). ایسن آبی که از توی شیر می‌آید بیرون، سرش به کجا وصل است؟ لابد باز می‌گوئید چه شده است. دیروز بابای سوفیا سرزده آمد خانه من برای تحقیقات خانگی. وقتی در زد، من یک لیوان آب از شیر ریخته بودم که بنوشم. در را که باز کردم، بابای سوفیا قائم خواباند زیر گوشم و گفت: بدبخت مجرد فسق‌وفجور. خانه مجردی گرفتی همین غلظا را بکنی؟ تنهایی نشستی داری این چیزها را می‌خوری؟

گفتم: بابای سوفیا... این آب شیر است.

بابای سوفیا گفت: برو دالم‌الخمر معتاد. این از برنج تقطیر می‌شود. فکر کردی حالا که تقطیر انکور نیست اوکی است؟ بیچاره. من خودم توی اوشین و توی ای‌کیوسان دیدم که می‌خوردند و تلو می‌خوردن.

گفتم: ولی این آب شیر است. شما هم بنزید.

بابای سوفیا گفت: برو بچه. اولاً که کور خواندی. دوم اینکه فکر کردی من مثل تو جوان و جاهلم؟ بعد در را کوبید به‌هم و رفت و گفت هم دختریده به من نیست.

مسئولان محترم رسیدگی کنند ببینند سر این شیر آب به کجا وصل است؟ ما رفیقم تا سد کرج و به نظرم‌ان آب تمیز آمد. دقیقاً این وسط چه اتفاقی افتاده که آب این‌طوری شده، ما نمی‌دانیم. البته دشمنان مهرورزی حتماً این‌آب را هم می‌اندازند کردن آقای احمدی‌نژاد که آب را هم کل کرد و رفت. خلاصه این‌همه املاحی که ما می‌خوریم، نه‌تنها این‌همه بیماری سنگ‌کلیه در کشور به نظر طبیعی می‌رسد، بلکه ما فکر می‌کنیم اساتید اگر یک کم املاحش را بیشتر کنند، دقیقاً می‌توانند ما را به‌عنوان معدن سنگ ثبت کنند و از ما سنگ و آهک و... استخراج کنند. و صدالبته که برای مبارزه با صادرات غیرنفتی، سرمایه‌گذاری روی تبدیل هر ایرانی به یک معدن، بهترین کار است. با تشکر.

پیشنهاد

● چهل و نهمین شماره نشریه «صور اسرافیل» منتشر شد. در این شماره از صور اسرافیل، اصلی‌ترین پرونده به موضوع بحران پناه‌جویان در جهان پرداخته است و گزارشی، آوارگان جنگ‌های اخیر منطقه را سرمایه‌های کشور میزبان معرفی کرده. از دیگر مطالب خواندنی این شماره، سرمقاله‌ای است که به قلم شاپور اسماعیلیان، حقوق‌دان برجسته کشور نوشته شده و در آن پدیده آسیب‌های اجتماعی از روایای مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. گفت‌وگو اختصاصی با الهام امین‌زاده، درباره ارائه گزارش طرح تقیح قوانین و مقررات نظام سلامت و بررسی نقش مسئولیت‌های مدنی در حفظ محیط زیست کشور از دیگر خواندنی‌های این شماره صور اسرافیل هستند. صور اسرافیل، عنوان «تنها نشریه مستقل حقوقی-اقتصادی کشور را بر پشانی دارد و ابتدای هر ماه روی دکه‌هاست.

● «یادآفرین»، ماهنامه تخصصی برندینگ، شماره دوم خود را به گفت‌وگو با دکتر نعمت‌الله فاضلی و خوان بלוسو استراتژیست برندینگ ملی اختصاص داده است. پرونده ویژه این شماره به قزوین اختصاص دارد که به برندینگ و هویت این شهر مهم ایران پرداخته شده است. مطالب مهم این پرونده گفت‌وگو با فریدون همتی، استاندار قزوین، یادداشتی از دکتر غلامرضا طریفیان، با عنوان قزوین- تاریخ و تمدن ۱۰هزارساله، گفت‌وگو با شهردار قزوین مسعود نصرتی، یادداشتی از دکتر علیرضا خزانلی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری، گفت‌وگو با فرح‌الله فصیحی‌راوندی، رئیس شورای شهر قزوین، یادداشت دکتر عباس کشاورز، رئیس اداره آموزش و پژوهش شهرداری و داستانی پیرامون شهر قزوین است. پرونده بین‌الملل این شماره به برندینگ کشور دانمارک اختصاص داده شده است، کشوری کوچک اما قدرتمند با تمدن منطقه اسکاندیناوی که به طور سستنی به جامعه و مردمان سختکوش آن و در ادبیات جهانی به نام «دربارنوردان سرسخت وایکینگ‌ها» شناخته می‌شود. سهیل سیمره دبیر گروه بین‌الملل با همراهی محمدعلی رفیعی کارشناس امور بین‌الملل، رضوانه گلستانه و سیدعلیرضا بهبهانی، با تکیه بر برندینگ به بررسی این کشور پرداخته‌اند. داستان این شماره را نیز بهالدین مرشدی با عنوان «یک شهر به دنبال صالح» نوشته است.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۷ مرداد ۱۳۹۵ = ۲۳شوال ۱۴۳۷ = ۲۸ جولای ۲۰۱۶
سال سیزدهم = شماره ۲۶۴۲ = ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ = اذان مغرب ۲۰:۳۳ = اذان صبح فردا ۴:۲۳ = طلوع آفتاب ۶:۱۰

روزنفرها

کارتون خواب

آروین
arvinmad@gmail.com

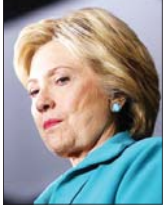


آن سوی دنیا

صف آرای‌ی هنرمندان برای انتخابات

این روزها دلایل پنج‌گانه «مایکل مور» برای پیروزشدن «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری در اکثر شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گرفت. او در متن بلند خود نوشته بود که از شنیدن اخبار ناراحت‌کننده متأسف است. او پیش‌بینی خود برای انتخاب ترامپ به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری از سوی جمهوری‌خواهان را یادآوری کرده بود. او در این نوشته تأکید داشت: «دونالد جی‌ترامپ در نوامبر پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری است» و تکرار این کلمات واقعاً سخت است که باید برای چهارسال تکرار شود: «آقای رئیس‌جمهور؛ ترامپ». مور نوشته: «هیچ‌وقت به این شدت دوست نداشت‌م که نظریه‌ام اشتباه باشد. هرچند مردمی را می‌بینم که سرشان را تکان می‌دهند و می‌گویند نه این ماجرا امکان ندارد اما بدبختانه این اتفاق خواهد افتاد» مور ادامه داد: «شاید مدام به اظهارنظرهای عجیب ترامپ بخندید و هیلاری را به‌عنوان یک بانوی رئیس‌جمهور و مورد احترام ببینید اما این رؤیا اتفاق نخواهد افتاد، به نظر او هواداران افسرده برنی سندرز، ماجرای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، مشکلات متعدد هیلاری و نگهداری آخرین ایستگاه قدرت برای یک مرد سفیدپوست در مقام ریاست‌جمهوری و... از دلایل رای آوردن ترامپ است. با این حال هر دو کاندیدای نهایی حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در حال تلاش هستند و به هر روشی می‌خواهند آرای مردم را به خود جلب کنند. یکی از روش‌های متداول نامزدان انتخابات، استفاده از چهره‌های مشهور است و اکنون صفی از سلبریتی‌ها پشت‌سر دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون ایستاده‌اند.

هیلاری کلینتون:



۱- جورج کلونی: او یکی از طرفداران جدی کلینتون است که از همان ابتدای اعلام نامزدی‌اش به حمایت از او پرداخت. البته کلونی قبلاً اعلام کرده بود نظرات سیاسی

«برنی سندرز»، دیگر نامزد دموکرات را که به‌تازگی از کلینتون حمایت کرده، بیشتر قبول دارد، اما به کلینتون رای خواهد داد.

۲- اپرا ونفیری: ونفیری و کلینتون هر دو در فهرست زنان قدرتمند جهان در سال ۲۰۱۶ قرار دارند. از همین‌رو بعید نبود اپرا از کلینتون حمایت کند. او پس از اعلام حمایتش از کلینتون، اعلام کرد: «ریاست‌جمهوری یک زن فرصتی استثنایی برای زنان و وقت آن است همه زنان به هیلاری رای دهند».

۳- لئوناردو دی‌کاپریو: دی‌لمشغولی‌های زیست‌محیطی دی‌کاپریو که در سال‌های اخیر هم با جدیت آنها را دنبال می‌کند، باعث حمایت او از کلینتون شده چون او فکر می‌کند طرح‌های هیلاری بیش از دیگران حامی محیط‌زیست است.

۴- تام هنکس: بازیگر فیلم‌های ماندگاری مانند «فارست گامپ» و «مسیر سبز»، از حامیان هیلاری است. او همچنین بارها دونالد ترامپ را به‌دلیل اظهاراتش در شبکه‌های اجتماعی به سخره گرفته است.

۵- بیانسنه: بیانسه، خواننده مشهور آمریکایی، یکی دیگر از طرفداران هیلاری است. البته هیلاری نیز بارها گفته از طرفداران صدای این خواننده است و الیوم اخیر او را نیز «باشکوه» توصیف کرده.

عباس کیارستمی»، کارگردان سینما، این روزها

مانند بسیاری از مسائل دیگر در کشورمان رنگ‌بویی سیاسی به خود گرفته است. شرایط، رقابت‌ها، اغراض و انگیزه‌های سیاسی در ایران به شکلی است که ممکن است هر موضوعی را تبدیل به مناقش‌های سیاسی کند. بااین‌حال سیاسی‌کردن رویدادها به حل آنها هیچ کمکی نمی‌کند. روز گذشته رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از روند پیگیری پرونده پزشکی کیارستمی انتقاد کرده و پرسیده است چه کسانی قبل از مشخص شدن جزئیات فوت او، جواز دفن او را صادر کرده‌اند؟ این سخنان از سوی برخی از جمله فرزند مرحوم کیارستمی با واکنش مواجه شده است و آن را درخواستی برای «نیش قبر» دانسته‌اند. اگرچه از نظر فقهی نیش قبر در ذات خود جایز نیست و بی‌احترامی به مرده است مگر آنکه حقی از مرده ضایع شده باشد و اوصیای او خواهان این‌کار باشند، اما به نظر می‌رسد دراین‌میان آنچه



حسین انصاری‌راد*

فوت «عباس کیارستمی»، کارگردان سینما، این روزها مانند بسیاری از مسائل دیگر در کشورمان رنگ‌بویی سیاسی به خود گرفته است. شرایط، رقابت‌ها، اغراض و انگیزه‌های سیاسی در ایران به شکلی است که ممکن است هر موضوعی را تبدیل به مناقش‌های سیاسی کند. بااین‌حال سیاسی‌کردن رویدادها به حل آنها هیچ کمکی نمی‌کند. روز گذشته رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از روند پیگیری پرونده پزشکی کیارستمی انتقاد کرده و پرسیده است چه کسانی قبل از مشخص شدن جزئیات فوت او، جواز دفن او را صادر کرده‌اند؟ این سخنان از سوی برخی از جمله فرزند مرحوم کیارستمی با واکنش مواجه شده است و آن را درخواستی برای «نیش قبر» دانسته‌اند. اگرچه از نظر فقهی نیش قبر در ذات خود جایز نیست و بی‌احترامی به مرده است مگر آنکه حقی از مرده ضایع شده باشد و اوصیای او خواهان این‌کار باشند، اما به نظر می‌رسد دراین‌میان آنچه

بر فراز شهر

اعتماد اجتماعی وفیش‌های حقوقی ناعادلانه



محسن هاشمی

ماجرای افشای فیش‌های حقوقی ناعادلانه مدیران ارشد بانک‌ها و بیمه‌ها باعث فشاری مضاعف بر پیگیره اعتماد عمومی شده است. نگارنده در خاطر دارد که در سال‌های ۷۳-۷۰ با سیاست تعدیل اقتصادی در دوره موسوم به سازندگی، دولت وقت برای نگهداری و جذب مدیران در سازمان‌ها و نهادهای دولتی با تصویب شاخصی با عنوان حق جذب کوشید تا شکاف دستمزد و حقوق مدیران دولتی را با روند رو به تزاید هزینه زندگی جبران کند. سیاست‌گذاران عرصه اقتصادی آن دولت باور به اصلاح نظام حقوق و دستمزد حقوق‌بگیران نداشتند، اما برای کاهش فشار معیشت مدیران ارشد و میانی، مؤلفه حق جذب را که گاهی تا دوبرابر میزان حقوق مصوب قانون نظام هماهنگ پرداخت‌ها بود، برای مدیران ارشد دولتی پیش‌بینی و پرداخت کردند. بعدتر در قانون خدمات کشوری در دولت مهرورزان، نهاده‌ا و شرکت‌های دولتی را از قانون پرداخت خدمات کشوری مستثنا کردند. به‌این‌ترتیب امکان پرداخت حقوق خارج از روح عدالت را در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، تابع اراده هیأت‌مدیره و گاه مجمع عمومی که خود نماینده دولت (وزیر) است نهادند. به‌این‌ترتیب پرواضح است که از حیث قانونی در پرداخت‌های حقوق و دستمزدها (و نه پاداش‌ها و پرداخت وام) تخلف قانونی رخ نداده است، بلکه به روح قانون در رعایت و مراقت از عدالت و انصاف توجه نشده است. دراین‌میان کاملاً طبیعی (و نه منطقی) است که عده‌ای که خود را امانتدار اموال عمومی جا زده‌اند، از کنجینه اموال عمومی بر سر سفره خود به میزان قابل‌توجهی برخوردار شوند و دراین‌میان در فقدان ماده قانونی به ضرورت رعایت عدالت و انصاف، آن‌هم بدون کوشش و سعی و خطر و مسئولیت‌پذیری بالاترین رقم حقوقی را دریافت کنند. اما به نظر نگارنده، چاره کار شفافیت در همه عرصه‌های عمومی، از گردش کار دریافت موافقت‌ها و مجوزها تا نحوه انتصاب مدیران و از جمله میزان پرداختی حقوق و دستمزدهای مدیران دستگاه‌های دولتی و غیردولتی است. دراین‌میان چندی پیش در گروه‌های اجتماعی مجازی اعتراض یک مدیر میانی سینمایی را به انتشار فیش حقوقی‌اش خواندم و اینکه افشاکندکان دریافتی‌اش از دولت را تهدید به پیگیری قضائی کرده بود. در ذیل آن خبر نوشت‌م دستمزد و حقوق دولتی در ادبیات سیاسی مدرن جزء حرم شخصی نیست، شایسته مثل مشل جوامع راقیه حقوق و مزایای دولتیان هر‌ساله اعلام شود و اینکه عضویت در هیأت‌مدیره‌ها فقط با یک حقوق ممکن باشد تا از ابوالمشغلاتن کاسته شود.

سلام به فردا

نظارت لازم است نه نیش قبر

انجام شود و گزارش‌های دقیق از آن به شهروندان ارائه شود، طولی نمی‌کشد که این اعتماد عمومی مخدوش‌شده ترمیم می‌شود. در کنار مجلس، سازمان بازرسی کل کشور وابسته به دستگاه قضائی کشور وجود دارد که به موجب قانون حق نظارت بر اجرای قوانین در جمع مسائل را دارد. سازمان بازرسی کل کشور نیز می‌تواند نقش ارزنده‌ای در بازگرداندن اعتماد عمومی جامعه ایفا کند. در کنار این دو، رسانه‌ها قرار دارند. اگر رسانه‌ها هم بتوانند آزادانه به فعالیت بپردازند و البته از جناح‌بندی‌های سیاسی هم دوری کنند، آنها نیز می‌توانند نظارت به معنای عام کلمه را محقق کنند و با فضای شفاف‌ی که ایجاد می‌کنند، اعتماد عمومی را جلب کنند. ما باید به این باور برسیم که شهروندانمان می‌توانند به‌راحتی یک گزارش صادقانه و بی‌غرض را از سوی هر نهاد یا کسی که ارائه شود، از یک گزارش سیاسی و جناحی تشخیص دهند. به درک آنها احترام بگذاریم و بداییم آنچه لازم است نظارت است نه نیش قبر.

*رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در ششمین دوره مجلس

گزارش فردا

آقای رئیس‌جمهور! آقای شهردار! صدای معلولان را بشنوید

جز دل‌بستن به همین کمپین‌ها چه کاری از دست‌شان ساخته است؟» حرف که به اینجا می‌رسد، محمودنژاد با صدای حزن‌آلودی ادامه می‌دهد: «من خانواده‌ای را می‌شناسم که سه عضو معلول دارد و به این خانواده سید کالایی که قرار بود به ۱۰میلیون معلول کشور تعلق بگیرد، اختصاص داده نشده. من پدر خانواده‌ای را می‌شناسم که با ۷۰۰هزار تومان درآمد ماهانه

و فرزند معلول، از همین سید کالای ساده‌هضم مرحوم بوده است. چرا دولت سید کالای معلولان را از سید کالای دیگر اقشار جامعه جدا نمی‌کند تا دسترسی خانواده‌های



معلولان به آن راحت‌تر شود؟» گله‌هایی که رئیس انجمن دفاع از حقوق معلولان مطرح می‌کند تنها مختص به دولت نیست.

او از شهرداری کلان‌شهرها هم گله دارد که چرا معلولان را در بافت شهرها نادیده گرفته‌اند: «برخی از مناطق تهران، آن‌قدر بافت فرسوده‌ای دارد که امکان دسترسی و تردد آن برای معلولان فراهم نیست و حتی شهروندان عادی باید با حرکات ژانگولر از آن عبور کنند. چند درصد از ایستگاه‌های متروی ما برای معلولان مناسب‌سازی شده؟ من خانواده‌ای را می‌شناسم

که به‌علت بضاعت کم مالی می‌جور به زندگی در طبقه چهارم یک آپارتمان شده‌اند و فرزند معلول‌شان به‌خاطر نبود آسانسور، از تحصیل محروم شده است.

چنین ساختمان‌هایی چطور پایان‌کار گرفته‌اند آقای شهردار، اگر قدیمی هستند، نمی‌شود با صرف هزینه مابه‌التفاوت، آن خانواده را به ساختمان دیگری برد؟ هزینه محرومیت از تحصیل آن کودک بیشتر است یا مابه‌التفاوت جابه‌جایی آنها به ساختمانی دیگر؟».

پایان بخش درد‌دل‌های رئیس انجمن دفاع از معلولان هم این است: «تصور من این است که در حوزه خدمت به معلولان، افرادی با اراده‌های مصمم مشغول به کار نیستند. درست است که وزیر رفاه ما یک وزیر کارگرگراست؛ اما متأسفانه معلول‌گرا نیست درحالی‌که معلولان به خاطر شرایط گوناگونی که دارند حتی از کارگران جامعه هم در طبقه اجتماعی ضعیف‌تری قرار دارند. در چنین شرایطی بعید نیست که صدای‌شان را بخواهند با کمپین‌ها به گوش دولت و شهرداری‌ها برسانند، اگر گوش شنوایی باشد.

شرق: شمار کمپین‌های حمایتی در حوزه‌های مختلف از حد گذشته، اما سؤال اینجاست که این کمپین‌ها تا چه حد، در به‌دست‌آوردن مطالبات عموماً اجتماعی خود موفق بوده‌اند؟

این روزها عکس‌هایی از کمپین ایران۱۱ دست‌به‌دست می‌چرخد، عکس‌هایی که اثر هنری یک معلول را از در بطری‌های نوشابه نشان می‌دهد. این اثر و آثاری مشابه با آن، اگرچه موفق هستند اما سؤال اینجاست که در قالب یک کمپین چه کمکی به حمایت بیشتر از معلولان خواهد کرد؟ علی‌همت محمودنژاد، رئیس انجمن حمایت از حقوق معلولان، پاسخی تردیدآمیز به این سؤال دارد.

او معتقد است چندین علت برای ناکارآمدی کمپین‌هایی که برای حمایت از معلولان راه افتاده‌اند، می‌شود عنوان کرد اما اصلی‌ترین‌شان، مشکلات قانونی و اعمال‌نشدن همان قانون‌ها و وعده‌های مصوب است: «معلولان یکی از ارکان اصلی جامعه ما هستند که برخلاف تصور عموم مردم و مسئولان فقط دچار مشکلات دسترسی و حرکت در سطح شهر نیستند و می‌خواهند به حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و شهروندی آنها توجه شود».

به گفته او، رئیس‌جمهور در ژانویه سال ۲۰۱۴ در بازدید از مرکز نگهداری معلولان حضرت مریم، قول داد تا پایان نیمه اول سال ۹۴ تمام مشکلات توان‌بخشی معلولان حل شود، این درحالی‌است که محمودنژاد می‌گوید نه تنها این وعده عملی نشده بلکه حتی بودجه سازمان بهزیستی هم به‌عنوان نهاد متولی این حوزه، روالی افزایش پیدا نکرده است: «براساس قانون چهارم توسعه، سازمان بهزیستی یکی از سازمان‌های حمایت‌پذیر است و طبق قانون باید بودجه صددرصدی به آن تخصیص پیدا کند، این در حالی‌است که همین الان، تصور من این است که با کسری مفت‌درصدی بودجه مواجه است» و وقتی که بودجه سازمان بهزیستی کم شود، عملاً بودجه حمایت از معلولان کم خواهد شد: «امروز معلولان ما که از نظر توان‌بخشی به ضعیف هستند، در طرح سلامت درنظر گرفته نشده‌اند و هزینه سکین درمان‌شان روی دوش خود آنهاست».

به گفته او، در چنین شرایطی چطور می‌توان امیدوار به کمپین‌ها بود و از سوی دیگر، معلولان

تکنه

تلویزیون و تشویق به یادگیری فن

است. آن را به زبانی درآورد که از قضا بتواند مخاطب اصلی‌اش را پای تلویزیون برای دقایقی نگه دارد؛ یعنی همان نوجوان ۱۵ساله‌ای که در آستانه انتخاب رشته است و به‌واسطه تسلط و هژمونی رشته‌های نظری، نگاه خریداری به رشته‌های فنی و حرفه‌ای ندارد. می‌گویند در بحث اقتصاد مقاومتی و اشتغال، یکی از واژه‌های کلیدی و مهم، مهارت‌آموزی است و لازم است توجه ویژه به آموزش‌های مهارتی داشته باشیم. فارغ از این توصیه و موضوع این برنامه که بهانه نگارش این یادداشت شد، باید گفت جای خالی چنین تک‌آیتمی‌ها با موضوعات متنوع در صداوسیما خالی است. آن‌هم برای مخاطب کم‌حوصله‌ای که این روزها دایره امکان و انتخابش به صداوسیما داخلی محدود نیست.

شد) است؛ ولی این‌بار به‌جای مدرسه هر روز دیر سر کار می‌رسد؛ نامش هم پیام کار است، به این بهانه، مخاطب برنامه در هر آیت‌م با یک برنده المپیاد فنی و حرفه‌ای آشنا می‌شود که به‌جای آرزوی دکترا می‌مهندس‌شدن، به سمت مهارت‌آموزی رفته و اکنون در ۲۰سالگی مثلاً ماهی پنج تا شش میلیون هم درآمد دارد! برنامه سعی کرده به برنامه‌ای جذب شد که ظاهری کمیک داشت، موضوع برنامه اهمیت توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بود، روز بعد هم این برنامه را دنبال کردم. شخصیت اصلی هر آیت‌م نوجوانی است که دنبال شغل می‌گردد، اما هربار به این نتیجه می‌رسد که آن شغل مناسب او نیست و باید سراغ شغل دیگری برود. کاراکتر آن یادآور شخصیت نوستالژیک دهه ۶۰، اکبر عبیدی در برنامه (باز مدرسم دیر می‌سازد) است.

مهسا جزینی: در صداوسیمایی که با کمبود مخاطب روبه‌روست و به ضرورت‌وزیر تاش‌کوش‌ها پدیده‌هایی مانند عادل فردوسی‌پور می‌کوشد همان مخاطبان اندک خود را نگه دارد، گاهی استئنا بر قاعده چیره می‌شود. تک‌آیتم‌هایی که به علت محتوای حرفه‌ای، در جذب مخاطب موفق است. چند روز قبل به‌طور اتفاقی توجهم به برنامه‌ای جذب شد که ظاهری کمیک داشت، موضوع برنامه اهمیت توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بود، روز بعد هم این برنامه را دنبال کردم. شخصیت اصلی هر آیت‌م نوجوانی است که دنبال شغل می‌گردد، اما هربار به این نتیجه می‌رسد که آن شغل مناسب او نیست و باید سراغ شغل دیگری برود. کاراکتر آن یادآور شخصیت نوستالژیک دهه ۶۰، اکبر عبیدی در برنامه (باز مدرسم دیر می‌سازد) است.